



## قرآن متذکر همه است، آیا منکرید ؟

### چکیده

آیه ۵۰ انبیاء وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ!!! و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟! (مکارم)

این سؤال را کسی جواب نداده، ما چگونه قرآن بخوانیم تا منکر ذکر بودن و نزول آن از سوی خدا نباشیم.

اعراب صدر اسلام، با شنیدن آیات روشن آن از زبان مبارک پیامبر(ص) متذکر و متحول گشتند و خود را تزکیه و کتاب حکمت آموختند (۲جمع) و در آیات ۱۲۹ و ۱۵۱ بقره و ۱۶۴ آل عمران، همین آیه را تکرار فرموده و در آیات ۵۹ قصص و ۱۱ طلاق فرموده، قومی که متذکر توسط پیامبرشان نشدند، همگی هلاک گشتند، پس اعراب مسلماً متذکر گشتند که هلاک نگشتند. چگونه متذکر و متحول گشتند؟ قرآن چگونه این واقعه را گزارش نموده؟ در ۵۳ قصص فرمود این آیات را بر هر که بخوانید می گوید من به آن ایمان دارم و تسلیم آن هستم، چرا؟ تاکنون آیات روشن را نتوانستیم در قرآن بیابیم، و خارج کنیم، آیا این آیات تمام دنیا را متحول و مؤمن بر قرآن و دین اسلام می گرداند؟ چرا ترجمه قرآن به زبان مادری هر قوم، تأثیرات شگرف بر آن قوم دارد؟ در آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء، فرمود: هر گاه ما آن را بر بعضی از عجم (غیر عرب) ها نازل می کردیم ... و او آن را بر ایشان می خواند، به آن ایمان نمی آورند! (ترجمه مکارم) چرا تا کنون این آیات را کسی روشن بر مردم بیان نکرده؟ و چرا بر خلاف این آیات اکثراً معتقدند، تا به زبان عربی مسلط نباشیم، بهره مند قرآن نمی گردیم؟

با آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء، دست میلیاردها انسان را بر قرآن و داشتن زندگی سعادت مند... باز نمود.

آیا پروردگار عالم قرآن را، چنین کتابی فرستاده که خیلی بهره مندش گردند؟ و بر کل عالم فرموده افلا يتدبرون؟ هر که از یافتن راه تدبّر عموم مردم در قرآن نا امید گشته؛ خدا را به خلاف گوئی متهم کرده است؟

این مقاله با تکیه بر آیات و روایات ... در اثبات این حقیقت است که قرآن متذکر هیچکس، حتی اعراب امروزی نیست، اما هرگز خلاف واقع نفرموده، که متذکر همه عالم است، چون خود روش قرأنت برای متذکر گشتن همه را ارائه نموده.

کلمات کلیدی: "بازنگری قرآن"، "تلاوت حقّه قرآن"، "روش تلاوت قرآن"، "لزوم باز شناسی قرآن"، "آیات روشن قرآن"،

## مقدمه

قرآن تمام عالم را به تعقل و تدبّر و تفکر در آیات خود امر و بسیار ترغیب نموده، و مفسران گفتند، اینگونه فرموده، برای تدبّر در قرآن نیازی به تحصیل علم و تعلیم زبان عربی نیست.

**تفسیر نمونه ج ۴ ۲۸** «قرآن- بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند- برای همه قابل درک و فهم است زیرا اگر قابل درک و فهم نبود دستور به "تدبّر" در آن داده نمی‌شد». (مکارم ۱۳۷۱)

قرآن به عربی است، آیا فقط بر اعراب نازل گشته؟ و امر به تدبّر فقط بر آن‌هاست؟ آیات قرآن، چون به عربی است، فقط اعراب متذکر قرآن می‌گردند، و ایمان بر آن می‌آورند، برای همین فرمود قرآن اگر به زبان مادری اعراب نبود آن‌ها آن را درک و فهم نمی‌کردند و ایمان بر آن نمی‌آوردند. چنانچه فرمود: هر گاه ما آن را بر بعضی از عجم [غیر عرب] ها نازل می‌کردیم ... و او آن را بر ایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آورد! (۱۹۸ و ۱۹۹ شعراء ترجمه مکارم) چرا؟

پس اگر قرآن را به زبان اقوام مختلف ترجمه کنیم؛ چون قرآن خود جذابیت و کشش فوق العاده‌ای دارد، و هر انسانی را مخاطب خود می‌گرداند، و آن‌ها مانع اهانت بر قرآن می‌گردند، که فرمود هذا بیان للناس... (آیه ۱۳۸ آل عمران) این قرآن بر کل انسانها بیانی است... غیر عرب، اگر به عربی قرآن بخواند، چون آنرا درک و فهم نمی‌کند و بیانی بر او نمی‌گردد، ایمان بر آن هم نمی‌آورد، و آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء همین مطلب را بیان کردند، پس امروزه دلیل بی ایمانی مردم عالم بر قرآن، همین است؛

ما بعنوان مسلمان باید اعتقاد محکم بر آیات قرآن داشته باشیم، که در این آیات فرموده، به زبان مادری بخوانید تا مؤمن گردید. بدلیل ترجمه صحیح قرآن به زبانهای زنده دنیا، امروزه قرآن در میان مردم عالم شناخته شده و بسیار طرفدار دارد. و با ترجمه غلط است که آتش می‌زنند، و نخوانده می‌سوزانند، و نمی‌دانند این کتاب الهی روش خواندن دارد، و بدون روش، تنها بصیرتی است (۲۰ جاییه).

و خود فرمود **عَلَّمَ الْقُرْآنَ الرَّحْمَنُ: ۲** قرآن را یاد داد... **عَلَّمَهُ الْبَيِّنَاتِ الرَّحْمَنُ: ۴**. ما سخن گفتن را تعلیم می‌دهیم و بر هر قومی به زبان خودشان پیامبر فرستادیم. (آیه ۴ ابراهیم) پس چرا بر هر قومی به زبان خودشان قرآن نازل نشده؟ آیا فقط اعراب نیاز به قرآن داشتند؟ خداوند اگر لازم بود، بر هر قومی پیامبری مبعوث می‌فرمود و قرآن را به زبان خودشان نازل می‌فرمود، و بر بسیاری از اقوام فقط ترجمه قرآن کافی بود تا ایمان آورند، و خودشان عربی آموختند و مفسر قرآن گشتند، مثل ایران، هند، افغانستان ....

خداوند برای اینکه اثبات کند، جاهلترین و لجوجترین و کافرترین... انسانها را قرآن، متحوّل می‌گرداند، پیامبری میان اعراب مبعوث و قرآن را به زبان مادری آن‌ها بر ایشان نازل فرمود،

و به پیامبر(ص) فرمود، آیات روشنش را که بر تو نازل نمودیم بر اعراب بخوان، اگر فاسق نباشند، متذکر می‌گردند و ایمان خواهند آورد،

**البقرة: ۹۹** **وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ...** ما نشانه‌های روشنی برای تو فرستادیم؛ و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی‌ورزد. (مکارم)

پس آیات روشن قرآن، با همان فصاحت و بلاغت که در قرآن ثبت هستند، عیناً مطابق قرآن، ضبط فطری اعراب است، چراکه خداوند بر پیامبر آنها را تذکر فرموده و فرمود بر قوم خود بخوان، مگر فاسق باشند، تا متذکر تو نشوند.

این خاصیت و معجزه تنها در قرآن است که آیات روشن در آن تعبیه شده و در آیه ۵۳ قصص فرمود بر هر انسانی آن‌ها را بخوانید ایمان خود را ابراز می‌دارد.. تا بفهماید، بر هر انسانی به زبان مادریش بخوانید، و اینگونه قرآن را معجزه خاموش نشدنی خوانده‌اند،

و پیامبر رکوع رکوع خواندن قرآن را بر قوم آموزش فرمود، و چون در هر رکوع یک آیه روشن ثبت است که عیناً ضبط فطری اعراب

است و خدا عیناً متذکر آن بر اعراب است، لذا براحتی آن‌ها را می‌یافتند و متذکرشان می‌گشتند، که فرمود:

القمر: ۱۷ **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ** ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! (مکارم) و رکوعات را در نماز وارد و بجای سوره خواندند.

و شیعیان بنا بر امر ائمه خود، سور کوچک را باید در نمازشان بخوانند، چون آیات روشن به زبان مادری هر قومی در فطرت‌ها ضبط است، و زمانی باید بگذرد تا ملت‌ها بیابند باید قرآن را به زبان مادری ترجمه و بخوانند، تا آن آیات روشن را در قرآن بیابند. متذکرشان گردند، و ایمانی به مراتب راسخ بیابند، و اکنون زمانی است که انقلابی در فهم و درک قرآن در حال بروز و ظهور است. پس اگر غیر عرب به زبان مادری قرآن را رکوع رکوع یا بخش بخش بخوانند، متذکر آیه روشن هر بخش و یا رکوع می‌گردند، و متحول و مؤمن بر خدا و قرآن می‌گردند.

هر انسان متقی می‌داند خداوند بی‌دلیل امر به تدبیر عموم انسانها نفرموده، و قطعاً راه و روش معینی برای آن در قرآن تعبیه فرموده، و با تدبیر عمومی است که هدایت خدا را می‌یابیم، و با عمل بر آن، مؤمن صالح العمل و رستگار و هم نظر می‌گردیم.

در این مقاله، از روش تدبیر قرآنی استفاده شده، و مطالبی را که عرضه می‌گردد از این روش دریافتیم، که همه بر درستی آن‌ها صحه خواهید گذاشت و روش را شرح و آموزش دادیم، تا همه با ایمان بیابید، چگونه قرآن متذکر همه است و لزوم بازشناسی را بیابید.

### روش تحقیق

در این مقاله؛ روشی که قرآن ارائه نموده، تا همه عالم بتوانند متذکر قرآن گردند و در آن تدبیر کنند و هدایت خداوند را از آیات دریافت دارند، و خود تبیین نمودم، مورد استفاده قرار داده‌ام.

و مسلماً با تدبیر در قرآن از آیات هدایت‌های والائی بدست می‌آید، که کسب آنها در شرایط عادی فقط بر متقین امکان پذیر است و مردم باید اول متذکر و سپس متدبر در قرآن گردند تا دریافت هدایت خدا بر آنها ممکن گردد، و هر انسانی خود با روش تذکر یابی و تدبیر قرآنی، به آن نتایج که ما می‌رسد، و مهر تأیید بر اینکه قرآن فقط از خداست، خواهد زد.

در این مقاله این روش را به اختصار شرح و آموزش می‌دهیم، تا عموم انسانها در قرآن بتوانند تدبیر کنند، و با هدایت خدا، به ایمانی مستحکم بر یقین برسند، و بیابند خالق همه و قرآن، خدای سبحان است،

و بدون هیچ پیش نیاز قرآن را متذکر همه خوانده و امر به تدبیر عمومی در آن را داده، و هر که در قرآن به دنبال راهی بسوی خدا باشد این راه را یافته و می‌یابد، خلاف واقع نفرموده، قرآن متذکر همه عالم است؛

المزمل: ۱۹ **إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا**... الإنسان: ۲۹ **إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا**... این یک تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (مکارم)

لذا در آیه ۵۰ انبیاء فرمود، آنکه متذکر قرآن نیست، منکر این است که قرآن ذکر است و همه عالم براحتی متذکرش می‌گردند..

در مورد پیشینه این روش، تنها از علامه طباطبائی (ره) مطلبی در صفحه ۱۸ و ۱۹ مقدمه المیزان، یافت می‌شود، که گفتند، قرآن آیات کلیدی دارد که با آنها قفل بسیاری از آیات، بدون نیاز به تعلیم زبان عربی و تفسیر، گشوده می‌گردد، و ایشان استفاده از این آیات را، تنها به ابتکار ائمه (ع) و خودشان می‌دیدند.

اما قرآن بر همه فرمود اگر به هدایت خدا آن را بخوانید قرآن متذکر همه است، و چون کسی متذکر قرآن نیست پس کسی به هدایت خدا در قرآن قرآن را نمی‌خواند، و لذا فرمود همه منکریم که قرآن ذکر مبارکی است که ما نازل کرده‌ایم..

حقیر این روش را، که استفاده از آیات کلیدی یا محکمه است پس از بیست سال تحقیق در قرآن و روایات و احادیث ائمه (ع)، با عنایت خدا یافته‌ام و تبیین نمودم و در ده کتاب و چند مقاله و فیلم شرح و آموزش دادم، و در صدها آیه بکار برده‌ام تا محک بزنم و درستی روش را اثبات کنم. و با این روش، هدایت خدا را در حل مسائل و یا کسب راه حل مسائل دریافت و عرضه داشتم. لذا آنچه در مقاله می‌یابید، حاصل تدبیر در قرآن بوده، و مورد تصدیق شمامست، چراکه با این روش تدبیر، همه متذکر قرآن گشته و روش را تأیید می‌کنند.

### روش تدبیر در قرآن

قرآن سرچشمه رحمت خداست، و بهره‌مند اصلی آن، تمام عالم هستند که فرمود للعالمین و للناس نازل گشته است. لذا برای تمام انسانها بهره‌مندی از آن، آزاد، بدون منع و اشکال، و مفید و مؤثر و آسان... می‌باشد، اما روشمند است، و عملاً جز قلیلی کسی بهره‌مند قرآن نیست، لذا این دلیلی محکم برای بازشناسی آن است و چون تحقیق و تفحص نکردیم، پس ادلیل محکم خداست تا ما را منکر ذکر بودن قرآن و نزول از سوی خدا، بخواند. (آیه ۵۰ انبیاء)

انسانها فقط از طریق دل، هدایت می‌یابند، و تنها الهام‌گر دل‌ها، خداست، و تنها عمل به هدایت خدا، ما را مؤمن صالح العمل و رستگار می‌گردند، لذا هر کس باید خود در قرآن تدبیر کند، تا هدایت خدا را در دل بشنود، و عامل گردد؛ تا مؤمن صالح العمل و رستگار گردد.

و خداوند برای اینکه همه را هدایت فرماید، قرآن را متذکر همه نازل فرموده؛ و بدون هیچ شرطی، بر همه امر به هدایت خود برساند، و در آن فرموده، و روشی آسان برای متذکر و متدبیر گشتن همه، در قرآن شرح و آموزش فرموده، تا همه را به هدایت خود برساند، و چون خود هادی همه است، همه را بدون شرط کسب علوم تفسیری و فراگیری زبان عربی، به تدبیر امر فرمود.

روش تدبیر عمومی، فقط به خواست و اراده و عدالت خدا، و بواسطه فضل خدا، در خود قرآن می‌باشد، و چنین روشی جز از خدا از کسی نمی‌تواند باشد، چراکه همه عالم را متدبیر قرآن می‌گردند و هدایت خدا را یکسان درمی‌یابند، لذا باهم هیچ اختلافی نمی‌یابند.

خداوند ۸ میلیارد انسان را خود خلق نموده و همه را به تدبیر در قرآن، امر فرموده، ۲ میلیارد آنها مسلمان‌اند، که باید بهره‌مند واقعی و مبلّغ قرآن باشند، اما قرآن را مهجور کردند، و آن را محصور و منحصر به خود کرده‌اند، چون بدنال روشی برای کل عالم نیستند و اکثراً تعقل و ایمان بر آیات ندارند، و اغلب آن‌ها را قابل اجراء نمی‌دانند، لذا بازخواست خدا و قرآن را قطعاً دارند.

در آیه ۲ جمعه فرمود، اعراب جاهل و خرافی ... با شنیدن آیات روشن از زبان مبارک پیامبر (ص) متحوّل شدند، و خود را تزکیه کردند و کتاب حکمت آموختند؛ و در آیات ۱۲۹ و ۱۵۱ بقره و ۱۶۴ آل عمران همین آیه را تکرار فرموده، و در ۵۹ قصص و ۱۱ طلاق فرمود مردمی که متذکر پیامبرشان نشدند، هلاک شده‌اند، و اعراب چون هلاک نشدند، پس یقیناً متحوّل و مؤمن گشتند.

و او هرگز ظلم نمی‌فرماید، و همه انسانها را آنگونه آفریده که با شنیدن آیات روشن قرآن به زبان مادری، متحوّل و مؤمن گردند.

و پیامبر(ص) جز به هدایت خدا عمل نفرمود و به اصحاب خود، روش متذکر و متدبر گشتن در قرآن را تعلیم فرمود، و اصحاب به درجات والائی از ایمان و یقین رسیدند، که مولا علی(ع) در نهج البلاغه تکریم‌شان فرمود(خطبه ۹۷ نهج البلاغه)، پیامبر این روش را هم به هدایت خدا دریافت نمودند، و خداوند آنرا در قرآن شرح داده، و با احادیث و روایات ائمه(ع) می‌توانیم این روش را خود تبیین کنیم.

لذا باید قرآن را بازشناسی کنیم، همه اقوام و ملل عالم، با یک روش، متذکر و متدبر در قرآن باید گردند و به هدایت خداوند برسند، و تمام مسائل خود را حلال کنند، و این روش فقط از خداست و خارج از آن کسی به هدایت خدا از قرآن نمی‌رسد، لذا همه می‌یابند، او رب العالمین است، که با تدبر در قرآن به روش قرآن، بدون تعلیم زبان عربی و تفسیر، هدایت می‌یابند.

اعراب امروزی، که قرآن به زبان مادریشان است، چون روش را نمی‌داند، متذکر و متدبر در قرآن نیستند. تمام ملل دنیا تحت یک روش معین متذکر و متدبر در قرآن می‌گردند و از قرآن هدایت خدا را می‌یابند، که فرمود عالم را به حق آفریدم برای جزا(۲۲جائیه) و آنکه بدنبال راهی به سوی خدا در قرآن است، آنرا خواهد یافت، و اینگونه بهره همه عالم از قرآن، مساوی و بدون ذره‌ای کم و زیاد و تبعیض خواهد بود و کسی در قیامت عذر تقصیر نخواهد داشت.

بنده، مطالبی را با تدبر به روش قرآن، به هدایت خداوند از قرآن دریافتم، و چون منطبق بر فطرت همه است، مورد تأیید همه است.

### هدایت خدا

هدایت خدا دو گونه است، یا عمومی است که ضبط فطری همه است و خدا متذکر آن بر همه است و هدایت تکوینی نامیده می‌شوند و قرآن را متذکر آن بر همه عالم خواند.

و یا هدایت خاص است که تنها بر متقین است، و در قرآن نیست، و تا از متقین و یا متذکر و متدبر در قرآن نگردیم، الهام نمی‌فرماید. صحت سخن و یا احادیث و یا عملی، که به هدایت خدا انجام شده باشد، همه با تعقل، تأیید می‌دارند.

احادیث در قرآن نیستند و ائمه(ع) جز به هدایت خدا عمل نکردند، و جز به هدایت خدا حدیثی ندارند، و هرانسانی با تعقل بر احادیث، آنها را تصدیق و تأیید می‌نمایند و درستی آنها را با ایمان ابراز می‌دارند.

عمل بر هدایت خاص خدا، بی‌شائبه ترین عمل نسبت به شرک است و یا خالص از هر شرکی است، و خالصاً برای خداست، لذا ما را مؤمن صالح العمل می‌گرداند، چنانچه ائمه(ع) که جز بر هدایت خدا عمل نکرده و نمی‌کنند، از صالحین گشته‌اند.

این بسیار جای تعجب است، مردمی که با هم هیچ قرابتی ندارند، و زبان همدیگر و زبان قرآن را نمی‌فهمند، با روشی که خداوند، در قرآن بیان فرموده؛ با هم، هم عقیده و هم نظر می‌گردند، لذا همه عالم، در یک جلد کتاب آسمانی بنام قرآن، متحد و مشترکند.

تدبر در قرآن باید همه را به نتایج یکسانی برسند، و با هم اختلافی نیابند؛ (آیه ۸۲ سوره نساء) و اگر اختلاف می‌یافتند، به آن امر نمی‌فرمود، و چون آنچه با تدبر در قرآن با این روش در دل می‌شنویم، جز هدایت خدا نیست، همه در یک جهت، هم عقیده و هم نظر در کسب آخرت و تقرب به خدا می‌گردند.

خداوند امر به تدبر عمومی فرموده، و هرگز خلاف واقع امر نفرموده، چون ابزارهای لازم را در قرآن، و در فطرت انسانها، تعبیه فرموده، خداوند در قرآن، به آیات مبین، محکمه و متشابه، متشابهاً مثانی، تذکر، تذکره، مؤظه، هدایت، متقین، کافرین و تدبر... و صدها عنوان دیگر اشاره فرموده، لذا باید با تدبر دلایل این عناوین را، بر همه روشن گرداند، پس هدایت خدا بر همه لازم و ضروری است، تا هم اختلاف نیابیم و هم منحرف و گمراه نگردیم، و هم بر خدا و معاد و قرآن... ایمانی محکم و راسخ یابیم.

ایمان و اعتقاد بر روش تدبّر؛ کسانی یابند که اهل تعقل در آیات قرآن هستند، و به بازنگری قرآن می‌پردازند، و رسالت قرآن را تذکر می‌یابند، که فرمود قرآن ذکر بر عالمین است و آیه ذیل فرماید؛

ذکر همه آیات مبین قرآن است، و بر هر که آن‌ها را بخوانیم ایمان خود را بر درستی آنها ابراز می‌نماید، مگر از فاسقون باشد.

البقره: ۹۹ **وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ**... و یقیناً به سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آنها جز فاسقان کافر نمی‌شوند. (انصاریان)

فرمود قسم یاد می‌کنم که آیات روشنی را بر تو نازل کردیم، و بر هر که این آیات روشن را بخوانی، ایمان خود را بر آنها ابراز می‌نماید، مگر آنکه کافر و منکر و از فاسقان باشد، پس این کریمه برای شناسائی رسول خداست.

کمتر کسی در باره آیات روشن، تحقیق و بررسی و مورد شناسائی قرار داده است؛ لذا بازنگری برای یافتن آنها از اوجب واجبات است، چراکه آیات روشن یا محکمه؛ کلید فهم آیات مبهم و نامعلومند، و قرآن برای تذکر همین آیات که ضبط فطری همه است نازل گشت.

این مطالب لزوم بازشناسی قرآن را اجتناب ناپذیر کرده، چراکه نحوه متذکر شدن تمام عالم به آیات روشن و روش تدبّر عموم مردم در قرآن، تاکنون ناشناخته مانده‌اند، و این در حالی است که، خداوند همه را چون متذکر قرآن نیستند، منکر ذکر بودن و نزول آن از سوی خدا، خوانده، به عبارت دیگر متذکر گشتن به قرآن اگر از آسانترین کارها نبود ما را منکر نمی‌خواند.

تذکریابی و تدبّر در قرآن، ما را به حقایقی از شناخت خود و خدا و قرآن و جهان می‌رساند، و تحوّلی عظیم در فهم و درک آیات قرآن برای عموم مردم دنیا ایجاد خواهد کرد.

### قدرت فکر و تعقل و تدبّر

قرآن هرگز مانند کتب آسمانی قبل خود نیست، چنانچه همراه آن‌ها معجزاتی آمده، و قرآن خود معجزه خاموش نشدنی خداوند است. که در معرفی آن فرمود: **ذَالِكَ كِتَابٌ لَا رَيْبَ فِيهِ**.. (البقره) این (آن) کتاب (است که) هیچ تردیدی در آن نیست...

این کتابی است که آنهایی که بودند و رفتند و آنهایی که هستند و آنهایی که خواهند آمد و آنهایی که هرگز کتاب را ندیدند و آنان که آن را نخواندند... در آن شک و تردید ندارند، چراکه خداوند آیات روشن آنرا ضبط فطری همه به زبان مادری فرموده و خود متذکر همه به همان زبان است، لذا در ۵۳ قصص فرمود این آیات را بر هر که بخوانید ایمان خود را بر درستی آن‌ها ابراز می‌نماید.

چه معجزه‌ای از این والاتر وجود دارد که هرگز خاموش شدنی نیست...

و فرمود: و ما هو الا ذکرٌ للعالمین.. این نیست مگر ذکر برای تمام عالم (قلم ۵۲)..

خداوند برای اینکه انسان فقط از طریق دل هدایت می‌یابد، قرآن را مشتمل بر محکمه و متشابه، نازل فرموده، و محکمه را روشن و واضح (آیه‌العرفان) و آیات متشابه را از محکمه گرفت، که مبهم و نامعلومند، اما شبیه محکمه هستند؛ و برای رفع ابهام، آنها را به محکمه باید ارجاع داد و در ارتباط آنها تدبّر نمود، و آنچه اینگونه از گوش دل می‌شنویم؛ جز هدایت خدا نیست، چراکه در کسب آخرت و تقرب به خداست، و چون خود هادی ماست، همه را به تدبّر با روش معینی که خود در قرآن بیان فرموده، امر نمود.

المائدة: ۱۶ **يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**.. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. (مکارم)

ابراهیم: ۱ الر كِتَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ... الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید. (مکارم)

محکمه که ضبط فطری هر انسانی است، آیات روشن و واضح قرآن هستند، تا براحتی یافت شوند، البته با تعقل و پیروی از روش تلاوتی که خداوند در قرآن شرح و آموزش فرموده، آن ها را می یابیم و متذکرشان می گردیم، چراکه خداوند متذکر آنها بر همه است. تذکر خداوند همان آیات روشن یا محکمت قرآنی است که، ضبط فطری ما به زبان مادری هستند، و با تعقل آنها را می شنویم و بیاد می آوریم و بر فطرت ارجاع می دهیم، و چون عیناً مطابق هم هستند، بر درستی آن ها ایمان و اعتقاد می یابیم، و آنکه اهل تعقل نیست، ایمان فطری هم نمی یابد، و انسان تا ایمان بر درستی عملی نیابد عامل نمی گردد.

در آیات بسیاری فرمود متذکر همه انسانها خداست، (۵۰ فرقان). و چون روگردانی از تذکر خدا داریم، لذا فرمود...  
 الأنفال: ۲۱ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ... و مانند کسانی مباشید که گفتند: «شنیدیم» در حالی که نمی شنیدند (فولادوند)

الملک: ۱۰ وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ... و می گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم! (مکارم)

مریم: ۳۸ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ... چه شنوا و بینايند روزی که به سوی ما می آیند، ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکارند. (فولادوند)

الفجر: ۲۳ وَ جَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أَنَّى لَهُ الذِّكْرَى... و در آن روز جهنم را حاضر می کنند؛ (آری) در آن روز انسان متذکر می شود؛ اما این تذکر چه سودی برای او دارد؟! (مکارم)

خداوند بسیاری را جهنمی خواند، و مجرمان در جهنم گویند: اگر گوش شنوا داشتیم و اهل تعقل بودیم هرگز جهنمی نبودیم (۱۰ ملک) انسان بدون تعقل، چون ایمان و اعتقاد فطری نمی یابد، در رفتار و گفتارش نوری از خدا نیست، و فرد ارزشمندی نیست. و آنکه تعقل نکرد، ایمان فطری اش بر خدا و معاد را تجدید و تقویت نکرده، به رضای خدا عامل نمی گردد، و بر غیر فطرت یا غیر صلاح و مصلحت، به امر شیطان عمل می نماید، و غیر پروردگار خود را می پرستد، در حالیکه می داند بسوی او می رود و باید پاسخگوی اعمال خود باشد.

چنانچه خداوند انسان بی تعقل را جنبنده ای خواند، تا بفرماید بدون تعقل، موجودی است که برای رفع حوائج، حرکت دارد، و بر برخی که خلاف تذکر خدا عامل اند، فرمود مثل حیوان شاید هم پست ترند. (۴۴ فرقان)

الأعراف: ۱۷۹ وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ... و بی گمان بسیاری از پریان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم؛ (زیرا) دل هایی دارند که با آن در نمی یابند و دیدگانی که با آن نمی نگرند و گوش هایی که با آن نمی شنوند؛ آنان چون چارپایانند بلکه گمراه ترند؛ آنانند که نا آگاهند (گرمارودی)

لأنفال: ۲۲ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ... بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند. (مکارم)

لأنبياء : ٤٥ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ... بگو: «من تنها بوسیله وحی شما را انداز می کنم!» ولی آنها که گوشهایشان کر است، هنگامی که انداز می شوند، سخنان را نمی شنوند! (مکارم)

الحديد : ١٧ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ... بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید! (مکارم)

در این کریمه فرمود، خداوند اهل تعقل را، همانطور که زمین مرده را زند می کند، با تفصیل آیات روشن فطری، متذکر و زنده می گرداند. ما آیات را قطعاً بر شما روشن می گردانیم؛ اگر بیندیشید، و به ایمان و اعتقاد بر درستی آنها می رسانیم و عامل بر آنها می گردانیم. مثل این آیات در قرآن کم نیستند؛ که اثبات تذکر و تفصیل خداوند، به زبان مادری بر هر انسان اهل تعقل را دارند.

و هر انسانی با تعقل بر آیات قرآن به زبان مادری، خداوند متذکرش می گردد، و به یقین می یابد، اوست که بین و نفصل الآيات است. و فرمود هذا بيان للناس... (١٣٨ آل عمران) و اگر از متقین باشید، هدایت و مؤظه آنها را هم می یابد.. که فرمود هدی و مؤظه للمتقين.. (١٣٨ آل عمران)

تعقل و تفکر و تدبّر، راههای ارتباط با خدا هستند، لذا در هر کاری تعقل کنیم تا به رضای خدا عامل گردیم، خداوند متذکر فطرت ما می گردد، تا فردای قیامت عذر تقصیر نداشته باشیم.

الفرقان : ٥٠ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا... ما این آیات را بصورت های گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکر شوند، ولی بیشتر مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (مکارم)

در این کریمه فرمود، قطعاً به اشکال مختلف بر شما متذکر فطرت تان هستم، تا شاید متذکر شوید، و تعقل کنید تا به ایمان و اعتقاد برسید و عامل گردید، و برای تأکید بر اینکه خدا متذکر شماست، در جمله آخر فرمود، نمی بینید، اکثراً از هر کاری ابا ندارید، مگر کافر شدن بر خدا و معاد، چون متذکر شما خداست !!!

طه : ١٢٤ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى... و هر که از تذکار من روی بگرداند، وی را معیشتی باشد تنگ و روز قیامت او را کور برانگیزیم (پاینده)

الجن : ١٧ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَاباً صَعَدًا... تا در این باره آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون درآورد. (فولادوند)

در این کریمه و بسیاری دیگر، یادآوری خدا را یاد خدا ترجمه کردند، که بدلیل متذکر قرآن نبودن است. در این کریمه فرمود ما متذکر شما هستیم تا شما را بیازمائیم.

الأنعام : ١٦٤ قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْغَى رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ... بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبیم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! هیچ کس، عمل (بدی) جز به زبان خودش، انجام نمی دهد؛ و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل نمی شود؛ سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است؛ و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد. (مکارم)

آنکه در انجام هر کاری تعقل نمود تا به رضای خدا عمل کند، ایمان بر خدا دارد و خود را تزکیه نموده، که فرمود قد افلح من تزكى.. آنکه تعقل نکرد و فریب دیگری را خورد، گناهش بر خود اوست، و بر فریب دهنده او، نیست. چون تعقل نکرده، و الا فریب نمی خورد.

در عالم ذر خداوند پرسید، آیا من خدای تو نیستم؟ او حکیم و دانا و قادر و تواناست... چرا از موجودی که خود خلق نموده، و بر خلقت خود و دیگری شرکته نداشته، سؤال نمود و انتظار جواب دارد؟

خداوند با سؤال خود؛ در عالم ذر، فقط همه را به تعقل واداشته؛ چراکه جواب هر سؤالی را خودش با تعقل ما، بر ما الهام می فرماید.

سؤال از هر انسانی کنید، او را به تعقل وادار کردید،

تعقل در امور دنیوی حتی اگر جواب را بدانیم، اغلب باز اشتباه می کنیم، تعقل در تشخیص راه کسب آخرت و تقرب به خدا، هیچکس جز دیوانه و بچه به اشتباه نمی افتند، چون خداوند ما را متذکر فطرت خود می فرماید، و در دادن جواب هیچ اشتباهی نمی کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: علم به آموختن نیست، بلکه آن، در حقیقت، نوری است که خداوند تبارک و تعالی در دل هر کس که خواهان هدایتش باشد، می نهد. (بحار الأنوار: ۱ / ۲۲۵ / ۱۷).

### امت واحد

خداوند تنها فرق انسانها را، رنگ و زبان بیان فرمود،

الروم: ۲۲ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ اَللْسِنَتِكُمْ وَالاَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ.. و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه هایی است برای عالمان! (مکارم)

این از آیات و اعجازات خدای متعال است، چراکه فرمود مردمی که صدها تفاوت و اختلاف در رفتار و نحوه زندگی ... دارند، تنها فرق شان از نظر جسمی، در زبان و رنگ است، تا بفرماید، من انسان ها را با روح و فطرت و جسم یکسان می آفرینم.

هود: ۱۱۸ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ... و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلفند ... (مکارم)

اگر می خواستیم امت واحدی بودید... و یا: اگر می خواستیم همه بالاجبار بر فطرت خود عامل بودیم، و چون فطرت همه یکی است، امت واحدی بودیم، و دیگر جهنم و بهشت وجود نداشت. اما اجبار نکرد تا مؤمن و کافر را جدا کند. پس اختلاف انسانها در عمل بر فطرت است.

### فتبارک الله

خداوند در خلقت انسان بر خود تبریک گفت، شایه به این علت است « انسان می تواند بر درستی یا نادرستی اعمال خود و دیگری واقف گردد»

هر انسانی در انجام هرکاری تعقل کند، تا بر رضای خدا عمل کند، خداوند متذکر او می گردد، و تذکرش را عین فطرت خود می یابیم، و ایمان بر درستی آن می یابیم، لذا همه صواب و ناصواب را با ایمان می شناسند و می دانند، عمل به خطا و یا به رضای خدا کدام است؟ و کدام را عامل هستند؟

خدای سبحان در ازل به فرشتگان که مخالف خلق انسان بودند، فرمود، من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.

کسی نمی داند آن چه را خدا در خلقت انسان می داند، چیست؟ اما همه می دانیم؛ هر که با ایمان جز آنگونه که خداوند او را متذکر است و یا آنگونه که خدا راضی است، رفتار و زندگی کند، خداوند یاور اوست که فرمود: نترسید من با شما هستم، می بینم و می شنوم...

این مطالب از متذکر قرآن و متدبر در قرآن به روش قرآن است.. و چون از ارجاع بر محکمه، بدست آمدند، مورد تأیید آیات و روایات و عقول مردم می‌باشند.. و به این دلیل بیان کردم تا اثبات کنم از واجبات همه بخصوص علماء این است که قرآن را برای متذکر گشتن بخوانند و دیگر اینکه "لزوم بازنگری قرآن" را بیابند.

تا همه بتوانند به حق بهره‌مند قرآن گردند، و آگاه و عارف و حکیم، و مسلط و عامل بر فطرت قرآنی خود گردند.

### قرآن به زبان مادری ضبط فطری تمام انسانهاست

در ابتدای سوره بقره فرمود، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ... این آن کتابی است که کسی شک و تردید در درستی آیات و نزول از سوی خدا ندارد..

با این آیه، قرآن را، معجزه خاموش نشدنی معرفی فرمود، چراکه فرمود، انسانهایی که بودند و رفتند، و آنهایی که هستند و آنهایی که می‌آیند، و آنان که هرگز قرآن را ندیدند و آنان که در محضر قرآن‌اند و روش بهره‌مندی از آن را نمی‌دانند، بر درستی آیات قرآن، هیچ شکی و تردیدی ندارند، چراکه خداوند متذکر آیات روشن قرآن بر همه است (۵۰ فرقان) و با تعقل عیناً مطابق فطرت می‌یابیم، و بردستی آنها ایمان می‌یابیم.

مسلماً وقتی شک و تردید نداریم؛ علم باید داشته باشیم، لذا اینگونه فرمود خداوند، فصل و متذکر آیات روشن بر همه است، برای همین همه، علم و آگاهی و ایمان بر درستی آیات روشن قرآن دارند. و برای همین جزا بر همه روا و بر حق است.

و در ۵۳ قصص فرمود بر هر که به زبان مادری این آیات روشن را بخوانید، ایمان خود را بر آنها ابراز می‌دارد، مثلاً اگر بگوئیم چیزی از او پنهان نمی‌گردد، همه می‌گویند درست است ما ایمان داریم از او هیچ چیزی پنهان نمی‌گردد. و این آیه ۵ آل عمران محکمه است. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از محکم و متشابه - فرمود: محکم، آن آیه ای است که به آن عمل می‌کنیم و

متشابه، آیه ای است که بر کسی که از آن شناخت ندارد مشتبّه می‌شود. (بحار الأنوار: ۱۵/۳۸۲/۹۲)

آیات و روایات بسیاری در اثبات ضبط فطری آیات روشن قرآن، و تذکر آنها توسط خدا، در قرآن موجود است.

البقره: ۲۷ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند؛ و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند؛ و در زمین به فساد می‌پردازند؛ آنانند که زیانکارانند. (مکارم)

عهد و پیمان خدا، همان آیات روشن قرآن است که ضبط فطری همه فرموده است، و متذکر آنهاست، تا جزا روا و برحق باشد.

امام علی(ع): قرآن فرماندهی بازدارنده، و ساکتی گویا، و حجت خدا بر مخلوقات است. خداوند پیمان عمل به آن را از بندگان گرفته، و آنان را در گرو دستوراتش قرارداده است. نورانیت قرآن را تمام، و دین خود را به وسیله آن کامل فرمود (تهج البلاغه- خطبه ۱۸۳)

در ۳۰ روم فرمود همه را بر فطرت خود آفریده‌ام.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ... پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند! (مکارم)

دینی که هیچ کجی و عوجی ندارد و صراط مستقیم خداپرستی است، دین فطری خداست که ضبط فطری همه انسانهاست.

الرعد: ۲۰ الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يُنْقِضُونَ الْمِيثَاقَ... آنها که به عهد الهی وفا می‌کنند، و پیمان را نمی‌شکنند ... (مکارم)

انعام: ۱۵۲ **وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ...** به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید! (مکارم)

و جمله دوم کریمه ۲ بقره، در اثبات هدایتی است که از جمله اول دریافت شده است. فرمود هدی للمتقین، تا بفرماید: خداوند متذکر عهد و پیمان خودش با ماست، و آنانکه با ایمان به رضای خدا که متذکر همه است عامل می‌گردند، از متقین می‌گردند، و شامل هدایت خدا می‌گردند. چراکه خدا هرگز اجر محسنین را ضایع نمی‌فرماید. مردم دنیا، بدون اینکه قرآن را دیده باشند، بر آن عمل می‌کنند، چون خداوند، آیات روشن آنرا به زبان مادری ضبط فطری همه نموده و خود متذکر آن‌ها بر همان زبان است، لذا می‌بینیم در کمک و یاری مردم فعالند، انفاق کننده‌اند، مزاحمت ندارند، دروغگو و زنا کار نیستند، خیانت و جنایت ندارند... و خداوند اجر محسنین را ضایع نمی‌فرماید و آنها را هدایت می‌فرماید، و می‌بینیم برخی عمل‌شان ستایش برانگیز همه است، که جز عمل به هدایت خدا نیست، چراکه همه ستایش‌ها برای رب العالمین است... دکتر آلبرت انیشتن به آفریقا رفت و بیمارستان احداث کرد و درخواست اسرائیل را برای پیوستن به آنها رد کرد، با وجودی که یهودی بود. هدی للمتقین، سنت خداست، که در تمام عالم و در تمام حیات عالم اجراء گشته و می‌گردد. و هدایت خدا که از مواهب والای اوست، پاداش محسنین است، که موجب سعادت دنیا و آخرت است، و فقط بر متقین الهام می‌فرماید، و اینگونه در دنیا، قبل از نزول قرآن هم متقین وجود داشتند و به هدایت خدا عامل بودند. مثل حبیب نجار، لقمان حکیم...

و چه بسیار مردم که از متقین‌اند، که قرآن را نمی‌توانند بخوانند، و شامل هدایت خدا هستند، و بواسطه عمل بر هدایت خدا، شناسائی می‌گردند، چون هدایت خدا بی‌شائبه ترین عمل نسبت به شرک است و عمل به آن عمل صالح، و ستایش بر انگیز همه عالم است. پیامبر(ص) و مولا علی(ع) و تمام ائمه(ع) در رأس متقی‌ترین متقیان جهان، جز به هدایت خدا عمل نکردند، که همه اعمالشان ستایش برانگیز عالم است، و در زمانه ما، امام خمینی(ره) و رهبر معظم(مدظله) و آقای قاسم سلیمانی(ره) و شهید خدمت آیت الله سید ابراهیم رئیسی(رحمات الله علیه) و بسیاری دیگر، خود و اعمالشان ستایش برانگیز مردم هستند. چون به هدایت خدا عمل نمودند، که فرمود زندگی و مرگ متقین مانند بی‌تقوایان نیست(جائیه ۲۱).

خداوند در آیه ۱۳۸ آل عمران، فرمود، **هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ..** این قرآن بیانی بر تمام مردم دنیاست، پس اگر آن را به زبان مادری بخوانیم، چون درک و فهم می‌کنید، بیانی بر ماست... و اکثر تفاسیر پای این کریمه نوشتند، قرآن قابل فهم همه انسانهاست ...،

### تفسیر نمونه ج ۳ ۱۰۵

در این آیه می‌گوید: "آنچه در آیات فوق گفته شد بیانیه روشنی است برای همه انسانها و وسیله هدایت و اندرزی است برای همه پرهیزگاران" یعنی در عین اینکه این بیانات جنبه همگانی و مردمی دارد تنها پرهیزگاران و افراد با هدف از آن الهام می‌گیرند و هدایت می‌شوند.

### ترجمه تفسیر المیزان ج ۴ ۳۰

در این آیه بیانات آیات قبل را روشن‌گر برای عموم مردم، و هدایت و موعظتی برای خصوص متقین دانسته، و این تقسیم به اعتبار تاثیر است، (و می‌خواهد بفرماید هر چند بیان برای عموم است ولی تنها در متقین اثر می‌گذارد و گر نه همان طور که در آیات دیگر آمده قرآن کریم روشن‌گر همه مردم است).

و تفاسیر این سؤال را بی‌پاسخ گذاشتند، چگونه قرآن بیانی بر همه مردم می‌گردد؟

اگر تمام عالم، به زبان مادری قرآن بخوانند، بیانی بر آن‌هاست، و فرمود: «وَهْدَىٰ وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ...» و هدایت و موعظه آن بر متقین است... خداوند در این کریمه همه انسانها را به تعدی کشاند، و فرمود همه می‌توانند ببینند، اگر همه عالم قرآن را به زبان مادری بخوانند؛ بیانی بر همه است، و اگر از متقین باشند، هدایت و موعظه آیات را نیز می‌یابند. و این گونه فرمود، عالم رب العالمین حی و قیوم دارد. و همه می‌بینیم عالمان متقی از آیات قرآن هدایت و موعظه می‌یابند و بر مردم عرضه می‌دارند. و همه می‌بینند، اجر تقوا و پرهیزگاری، علاوه بر موهبات خدا، هدایت خداست، و این را اغلب مردم نمی‌دانند، اما می‌بینند، مردم بی‌تقوا هر روز به چاهی می‌افتند.

### نتایج بدست آمده تا اینجا

- برای ادامه بحث شاید این یادآوری کمک کند تا مطالب را بهتر بیان کنیم و بهتر بفهمیم...
- ۱- خداوند در آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء فرمود، غیر عرب باید قرآن را به زبان مادری بخواند، والا ایمان نمی‌آورد
  - ۲- اعراب صدر اسلام با شنیدن آیات روشن قرآن توسط پیامبر، متحول گشتند و ایمان بر آن آوردند. (۲ جمعه)
  - ۳- اکثر مردم معتقد هستند باید زبان عربی بیاموزند، والا به فهمی از آیات نمی‌رسند. اعراب امروزی قرآن به زبان مادریشان است اما متذکر قرآن نیستند. چرا؟
  - ۴- قرآن به زبان مادری اقوام زیادی ترجمه شده، و اغلب بر آن معتقد هستند...
  - ۵- و میلیاردها انسان از قرآن دستشان کوتاه است، چراکه بنابر نص صریح قرآن، آن را به زبان مادریشان ترجمه نکردند
  - ۶- قرآن عربی است و فقط بر اعراب تدبّر در آن میسر است، و غیر عرب به زبان مادری باید بخوانند تا در آن بتوانند تدبّر کنند.
  - ۷- اگر قرآن را فقط باید عربی بخوانیم، چگونه للعالمین و للناس است که دست میلیاردها انسان از آن کوتاه است
  - ۸- آیاتی می‌فرمایند در انجام هر کاری تعقل کنید، تا رضای خدا را دریابیم، برای ایمان بر قرآن، آنرا چگونه بخوانیم؟
  - ۹- فرمود کسی بارگناه دیگری را حمل نمی‌کند، چون همه با تعقل راه درست را متذکر میشوند،
  - ۱۰- همه انسانها فطرتاً یکی هستند، لذا فرمود شما امت واحدی هستید، اختلاف شما در عمل بر فطرت است.
  - ۱۱- آیات روشن قرآن به زبان مادری در فطرت همه ضبط است، که در آیات بسیاری قرآن را متذکر همه خواند.

### قرآن متذکر اعراب است

خداوند در آیه ذیل تأیید نمود که قرآن متذکر اعراب است و چنانچه می‌بینیم، غیر عرب هرچه قرآن را به عربی می‌خواند، و در فهم آن سعی و تلاش می‌کند، متذکر آن نمی‌گردد چنانچه قرنهاست کسی متذکر قرآن نگشته است، که فرمود الزخرف ۴۴ وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِ قَوْمِكَ وَ سَوْفَ تَسْأَلُونَ. و قطعاً آن (قرآن) یادآوری برای تو و قوم توست و در آینده بازپرسی خواهید شد. (رضائی)

در این کریمه خداوند تأیید فرمود؛ حقیقتاً تو ای پیامبر (ص) و قوم، متذکر قرآن هستید، تا بفهمید؛ شما که قرآن به زبان مادریتان است پس در فطرتتان هم به همین زبان ضبط است و تنها شما تحت آموزش پیامبر قرآن را رکوع رکوع خواندید لذا فقط شما متذکر قرآن گشتید... و بابت ایمان و اعتقادی که اینگونه فراتر از تمام مردم یافتید و نعمت بزرگی است، از شما بزودی سؤال خواهد شد.

خداوند آیات روشن یا محکّمات قرآن را عیناً مطابق قرآن ضبط فطری اعراب نموده، و خود عیناً مطابق قرآن متذکر اعراب است، و پیامبر بر اعراب آیات را؛ عیناً مطابق قرآن تلاوت نمودند، و اینگونه اعراب جز متحول گشتن راهی نداشتند، و یقین کردند خداوند عیناً مطابق قرآن، متذکر آن‌ها و پیامبر است. و یقین کردند آنکه در دل متذکر آن‌هاست، خدای آن‌هاست. لذا آنگونه متحول گشتند.

قرآن عربی متذکر کسی نمی‌گردد، حتی اعراب که به زبان مادری آن‌هاست، چون روش متذکر گشتن را نمی‌دانند. و خداوند متذکر آیات روشن بر هر قومی به زبان مادری است!! و تنها در فطرت اعراب آیات روشن عیناً مطابق قرآن ضبط است، و تذکر خدا و رسولش بر قوم پیامبر، چون عیناً مطابق قرآن بوده است، متذکر قرآن گشتند لذا فرمود

العنکبوت : ۵۱ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ... آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می‌شود؟! در این، رحمت و تذکری است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و این معجزه بسیار واضحی است). (مکارم)

و در سوره جمعه، خداوند برای اینکه بفرماید این فضل خداست که بر هر که بخواهد عنایت می‌فرماید.. فرمود:  
 الجمعة ۲ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ... و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! (مکارم)  
 ...به این ترتیب اعراب صدر اسلام دوباره متذکر قرآن گشتند و ایمانی بسیار راسخ یافتند؛ بطوریکه حتی کافران آنها، چون متذکر گشتند، قرآن را سحر و پیامبر را ساحر خواندند، لذا فرمود،

آل عمران : ۱۰۱ وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ... چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامن وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنا بر این، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است. (مکارم)

آل عمران : ۱۶۴ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ... خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (مکارم)

القصص : ۵۹ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلِهَا ظَالِمُونَ... و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (مکارم)

این آیات تأکید دارند، اعراب اگر با شنیدن آیات روشن متحول نمی‌گشتند، همه هلاک می‌گشتند.  
 خداوند متذکر آیات روشن عیناً مطابق قرآن، بر آن‌هاست، و برای بار دوم از زبان پیامبرشان عیناً مطابق قرآن، متذکر گشتند؛ لذا اگر متحول نمی‌گشتند، یعنی تذکر خدا را نشنیدند، و یا نمی‌توانند تعقل کنند، و تذکر خدا را بر فطرت خود ارجاع دهند، و ایمان بر درستی آن آیات نمی‌توانند بیابند و عامل گردند. اما چون متذکر پیامبرشان گشتند یعنی متذکر خداوند شده بودند.

البقرة : ۶ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ... کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. (مکارم)

کافر آیات را با تذکر خدا می شنود، و بر درستی آن ایمان می یابد؛ اما آنچه را ایمان بر درستیش دارد می پوشاند و آنگونه که می خواهد عمل می کند، و ظالم بر حق خود هستند.

## نزول قرآن

خدای سبحان با نزول قرآن فرمود حجت تمام شد

النساء : ۱۶۵ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا .. پیامبرانی [فرستادیم] نوید دهنده و اخطارکننده، تا برای مردم، پس از آن پیامبران در برابر خدا حجتی نباشد؛ و خدا عزتمند و حکیم است (مرکز فرهنگ..)

لذا آیات روشن قرآن ضبط فطری همه به زبان مادری است و خداوند متذکر همه به همان زبان است و قرآن طراحی گشته تا به آسانی متذکر بر همه، بطور یکسان و طبق یک روش معین گردد، و خارج از آن روش، کسی متذکر قرآن نمی گردد، چراکه همه انسانها با تذکر دوباره قرآن، متحول می گردند، و از عدالت او بدور است، دو روش متذکر گشتن وجود داشته باشد، و یا کسی متذکر گردد و به ایمان برسد و دیگری متذکر نگردد و ایمان نیابد.

و برای متذکر گردان همه، در درجه نخست، آیات قرآن را بخش بخش نازل فرمود، و هر بخش یک محکمه دارد و روش متذکر گشتن را در هر بخش شرح و آموزش داده است. که فرمود.

الإسراء : ۱۰۶ وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا... و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. (فولادوند)

قرآن بتدریج طی ۲۳ سال، بخش بخش یا رکوع رکوع نازل گشته، و اهل سنت بخش ها را رکوع نامیدند، و در نماز به جای سوره می خوانند.

برای اینکه متذکر قرآن گردیم باید آن را آنگونه که نازل گشته، یعنی بخش بخش بخوانیم، و بدنبال آیه روشن در بخش باشیم. چون هر بخش یا هر رکوع یک واحد کامل موضوعی است، و یک محکمه دارد.

در این کریمه امر فرمود یک بخش را به آرامی و یا با قصد و غرض، با تعقل و برای یافتن محکمه و یا متذکر گشتن به محکمه، بطور کامل به آرامی بخوانید، تا آیه ای که از همه روشن تر و واضح تر است را بیابید و با کمی تعقل متذکرش گردید. محکمه آیه روشن و واضح بر همه است که نیاز به تفسیر ندارد، و ایمان و اعتقاد همه است، امام صادق فرمود همه بر محکمت عاملیم؛

در هر بخش تنها یک آیه، بر همه روشن و واضح و محکمه است، که با کمی تعقل بر آن، درستی آن را همه با ایمان و اعتقاد بیاد می آوریم. آیه روشن و واضح یا محکمه هر بخش را، به آسانی، اما تنها به زبان مادری، هر انسانی می یابد (۱۷ قمر)، چراکه خداوند به زبان مادری آنرا ضبط فطری همه نموده و خود متذکر آن بر همه به زبان مادری است، لذا با کمی تعقل، ایمان بر درستی آن را بیاد می آوریم و متذکرش می گردیم،

## قرآن تذکره است،

تذکره یا پاسپورت ورود به بهشت برای همه انسانهای عالم است.

بر پیامبر(ص) امر فرمود برای متذکر نمودن اعراب فقط آیات روشن قرآن را بر آنها بخوان، و چون عیناً منطبق بر تذکر خدا و فطرتشان بود، تذکر دوباره آنها توسط پیامبر(ص)، ایمانی بسیار محکم و راسخ، مطابق یقین ایجاد کرد، و اعراب ایمان بر درستی آیات روشن داشتند (۵۳ قصص) و عامل بر آنها بودند، و خدا و پیامبر متذکر آنها گشتند، لذا آنچنان متحول گشتند و ایمان حقیقی بر خدا و معاد یافتند که خود را در محضر خدا یافتند، لذا تزکیه کردند و کتاب و حکمت آموختند.

فرمود إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ الْإِنْسَانُ: ۲۹ این قرآن تذکره است؛ و یا تذکر است بعد از تذکر خدا  
كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ عَبَسَ: ۱۱ چنین نیست که ایمان بر آن نیآورند، چرا که تذکره است

و پیامبر(ص) روش متذکر و متدبّر گشتن در قرآن، را بر اصحاب خود آموختند، و آنان، صاحب تقوا و ایمانی به مراتب والاتر از دیگران گشتند، که مولا علی(ع) در خطبه ۹۷ فرمود: من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم، اما هیچ کدام از شما را همانند آنان نمی‌نگرم، آنها صبح می‌کردند در حالی که موهای ژولیده و چهره‌های غبار آلوده داشتند، شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می‌گذراندند، و پیشانی و گونه‌های صورت را در پیشگاه خدا بر خاک می‌ساییدند، با یاد معاد چنان نا آرام بودند گویا بر روی آتش ایستادند. بر پیشانی آنها از سجده‌های طولانی پینه بسته بود (چون پینه زانوهای بزها) اگر نام خدا برده می‌شد چنان می‌گریستند که گریبان‌های آنان تر می‌شد. و چون درخت در روز تند باد می‌لرزیدند، از کيفری که از آن بیم داشتند، یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند. خطبه ۹۷ نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی ۱۳۷۹

و چون اعراب امروزی، قرآن را به آن روش نمی‌خوانند؛ با وجودی که قرآن به زبان مادری آنهاست، دوباره متذکر محکمه نمی‌گردند. و نمی‌توانند تدبّر در آن کند، لذا اعراب امروزی مثل تمام مسلمانان دنیا، با وجودی که قرآن به زبان آنهاست و بسیار می‌خوانند، و در نماز رکوع رکوع قرآن می‌خوانند، اما چنانچه از کتب دینی و تفاسیر آنها، و رفتار و سخنانشان پیداست، تدبّر به روش قرآن را نیافتند.

### چگونه غیر عرب متذکر قرآن می‌گردد

همه انسانها در هر جای عالم که باشند، قرآن را بخش بخش به زبان مادری، به آرامی، و به منظور یافتن، آیه روشن و واضح بخوانند، آنرا می‌یابند، و با کمی تعقل بر درستی آن ایمان خود را بیاد می‌آورند و متذکرش می‌گردند و اینگونه محکمه بخش را یافتند. اگر محکمه بخش را یافته باشید، با تفصیل و تعقل، ایمان بر درستی آن را بیاد می‌آورید، و در غیر این صورت محکمه را نیافتید. آیات دیگر بخش متشابهات هستند که مبهم و نامعلومند، و با ارجاع آنها به محکمه، و تدبّر در ارتباط آنها، خداوند هدایتی که منظور از نزول آن آیه دارد را، بر ما الهام می‌فرماید، و در دل به وضوح می‌شنویم و با عمل بر آن مؤمن صالح العمل و رستگار می‌گردیم، چون عملمان ستایش بر انگیز همه می‌گردد.

خداوند با نزول قرآن برای تذکر دوباره، همه را از متقین می‌گرداند، تا بنا بر سنت هَدَىٰ لِّلْمُتَّقِينَ، همه را به هدایت خود برساند. تنها خداست که هدایت خود را بر دل‌های همه عالم با تعقل و تدبّر و تفکر.. الهام می‌فرماید، و برای اینکه با القائنات شیطان اشتباه نگردد، فرمود من اهل تقوا و مغفرت، تا بفرماید با هدایت من در کسب آخرت و تقرب به خدا موفق می‌گردید.

در تدبّر به روش قرآن، نیازی به تحصیل علوم تفسیری و تعلیم زبان عربی نیست، و کافی است، با استفاده از ترجمه‌ای معتبر، قرآن را بخش بخش برای یافتن محکمه بخوانیم، و با یافتن محکمه و ارجاع متشابه به آن، تدبّر در ارتباط آن دو نمائیم، و چون خود هادی ماست، آنکه را بدنبال راهی بسوی خداست، و تدبّر در قرآن کند، هدایت می‌فرماید، و برای همین همه عالم را بدون شرط به تدبّر در قرآن امر فرموده است.

### آیات روشن

در هر بخش تنها یک آیه روشن یا یک محکمه وجود دارد، و چون محکمه به زبان مادری ضبط فطری هر انسانی است و خداوند، متذکر آن است، لذا آیه روشن یا محکمه را بر هر انسانی، به زبان مادری بخوانیم، ایمان خود را بر درستی آن ابراز می‌دارد.

القصص : ۵۳ وَ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ... و هنگامی که بر آنان خوانده شود می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!» (مکارم)

آیات بسیاری در توصیف و خواص و طرز یافتن آیات روشن در قرآن است؛  
 النور : ۱ سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَ قَرَضْنَاهَا وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ... (این) سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکر شوید! (مکارم)  
 آیه فرمود، عمل به آیات روشن عمل ثواب و عمل بر غیر آنها عمل بر خلاف رضای خدا و گناه است.  
 النور : ۳۴ وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَ مَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ... و قطعاً به سوی شما آیاتی روشن‌گر و خبری از کسانی که پیش از شما روزگار به سر برده‌اند، و موعظه‌ای برای اهل تقوا فرود آورده‌ایم. (فولادوند)  
 العنکبوت : ۴۹ بَلْ هُوَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ... ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد؛ و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی‌کنند! (مکارم)

آیات روشن ضبط فطری همه است، و خداوند متذکر آن‌هاست و دانشوران و عالمان... که اهل تعقل هستند، آنها را متذکر و ایمان راسخ بر آنها دارند و در سخنان نغز و آثار خود آنها را بیان می‌نمایند؛ لذا فرمود در سینه عالمان آنها را می‌یابید. با تعقل بر سخنان نغز و آثار برخی از دانشوران، خدا متذکر محکمت بر ماست، و چون درستی آنها را ایمان داریم، درستی سخنان نغزشان را تصدیق می‌نمائیم..

البقرة : ۲۰۹ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.. و اگر بعد از این همه نشانه‌های روشن، که برای شما آمده است، لغزش کردید (و گمراه شدید)، بدانید (از چنگال عدالت خدا، فرار نتوانید کرد)؛ که خداوند، توانا و حکیم است. (مکارم)

در این کریمه فرمود؛ آیات روشن را بطور کامل بر همه الهام کردیم؛ و هر که در هر کاری یا سخنی یا راهی... تعقل کند، آنچه را لازم است، متذکرش گشتیم و چون ایمان بر درستی آنها دارید، عامل بر آن‌ها می‌گردید، و اگر عدول از آنها کنید، و خداوند توانا و حکیم، را رها کنید، مسلماً دچار و آلوده به گناه می‌گردید و گناه شما را ثبت می‌فرماید.

چون آیات روشن را خدا متذکر همه است همه شنیدند، و ایمان خود را بیاد دارند، لذا اگر لغزش کنند، در سخن گفتن، برخورد، کسب معاش،.. تعقل نکردند، که از آیات روشن عدول کردند، گناه لغزش بر خود شماست و در قیامت مورد سؤال قرار می‌گیرید.

بر اعمال خود تعقل کنیم، خدا متذکر ماست، اعمالمان را اصلاح و توبه می‌کنیم. انسانی کامل آگاه و عامل بر تمام آیات روشن است، با وارد کردن «سیاق ۵۵۵» در اینترنت، جدول بخش‌های قرآنی را می‌یابید، و با خواندن بخش‌بخش قرآن به زبان مادری، متذکر محکمه می‌گردید. و اما رضاء(ع) فرمودند:

امام رضا علیه السلام : هر که متشابه قرآن را به محکم آن ارجاع دهد، به راه راست هدایت شده است [عیون أخبار الرضا : ۱/ ۳۹/۲۹۰].

## ترجمه قرآن

آیات روشن در ترجمه به زبانها مختلف، روشنی و وضوح خود را حفظ می‌کنند، و روشنی آنها در هر زبانی تقریباً هیچ تغییری نمی‌کنند، مگر مترجم از خود آیه را کم و زیاد کند. برای همین به هر زبانی قرآن ترجمه مصطلح گردد، این آیات، همچنان واضح و روشن می‌مانند، و برای همین فرمود آیات روشن را بر هر قومی به زبان مادری بخوانید ایمان خود را بر آنها ابراز می‌نمایند (۵۳ قصص)

اغلب متخصصان زبان می‌گویند ترجمه نمی‌تواند همه مفاهیم زبان مبدا را بیان کند. بخصوص ترجمه زبان عربی قرآن به هر زبانی. چنانچه هیچ مترجمی نگفته قرآن را صحیح و دقیق ترجمه نموده؛ و همه می‌بینیم ترجمه‌ها با هم اختلاف دارند.

قرآن برای اینکه ما را به هدایت خدا برساند، محکمه و متشابه نازل گشته، و محکمه ضبط فطری همه به زبان مادری است و با متذکر گشتن به محکمه و ارجاع متشابه به آن و تدبّر در ارتباط آنها؛ مفهوم کلام خدا در آیات متشابه دریافت می‌گردد، لذا با اغلب ترجمه ها می‌توان در قرآن به روش قرآن تدبّر نمود.

خداوند با تدبّر بر دل‌ها هدایتش را الهام می‌فرماید، و به هدایتی که مد نظر دارد، متدبر را می‌رساند، لذا اختلافی با هم نمی‌یابیم. مترجمانی که متذکر محکمه‌اند در کلام خدا، معنای مورد نظر خدا را، می‌یابند.

این تنها کتاب خدا و اعجازی از خداست که آیات روشن، در ترجمه به هر زبانی، از روشنی و وضوح شان کاسته نمی‌گردد؛ چنانچه فرمود ما هو الا ذکر للعالمین. و اگر آیات روشن در ترجمه تغییر می‌کردند، هرگز نمی‌فرمود قرآن متذکر تمام عالم است.

قرآن برای متذکر و متقی گرداندن همه عالم نازل گشته، تا همه را شامل هدایت خدا گرداند، لذا باید به زبان مادری قرآن را به آرامی در جستجوی محکمه خواند، و با تعقل بر آیات بخشها، آیات روشن را یافت و متذکرشان شویم. تا با تدبّر به هدایت خداوند نائل گردیم.

### بخشها

قرآن طی ۲۳ سال رکوع رکوع یا بخش بخش نازل شده، و تمام بخش‌ها یک قالب معین دارند و از تعدادی آیه متشابه و یک محکمه تشکیل شدند، هر بخش یا هر رکوع، یک واحد موضوعی است و یا یک موضوع را بیان می‌دارند. آیات متشابه، در دو طرف محکمه‌اند، و در دو سیاق قرار دارند، آیات قبل از محکمه، سیاق‌شان، شناساندن محکمه است و آیات بعد محکمه در بیان تأویل محکمه در زندگی ما هستند.

هر بخش با هر تعداد آیه، دو سیاق و یک محکمه دارد؛ سوره‌های سه آیه‌ای مثل کوثر و نصر و عصر.. از یک محکمه در وسط، و دو آیه متشابه در دو طرف محکمه تشکیل شدند. لذا در قرآن سوره‌ای که از دو آیه تشکیل شده باشد، نداریم.

در سوره بلند، بخشها با کلماتی مشخص (اسماء جلاله خدا، یا ایها النبی ...) شروع می‌گردند، و با کلمات مشخص بخش بعدی به پایان می‌رسند.

بیشتر بخشها با واو استیناف شروع و با واو استیناف بخش بعدی خاتمه می‌یابند، هر بخش یک موضوع را بطور کامل بیان می‌کند، سوره مبارکه اسراء ۱۲ بخش دارد، سه بخش با کلماتی مشخص شروع شدند، بسم الله، يوم ندعوا كل أناس، و اقم الصلاة .. و بقیه بخشها با واو استیناف شروع و با واو استیناف بخش بعدی خاتمه یافتند.

بخشها بنا بر بلندی و کوتاهی آیات، تعداد آیاتش و حجم‌شان معین گشته، مثلاً آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ بقره یک بخشند، و در سوره واقعه بخش اول آن با ۷۴ آیه کوچک یک بخش و یک محکمه دارد.

آیه ۲۰ سوره مبارکه مزمل خود یک بخش است، که یک جمله آن محکمه و بقیه متشابه‌اند.

سوره‌های فیل و قریش یک محکمه دارند پس یک بخش‌اند و ضحا و نشر هم یک محکمه دارند و یک بخشند. لذا فرمودند خواندن یک سوره از آنها در نماز تولید اشکال می‌کند، پس باید فیل و قریش را با هم و یا ضحا و نشر را با هم در نماز خواند.

### دلیل تدبّر در قرآن

خداوند با نزول قرآن همه انسانها را دوباره متذکر می گرداند، تا با رسوخ دوباره ایمان در قلبها، همه را از متقین گرداند، و با ارجاع و تدبیر، به هدایت خود نائل گرداند، چراکه هیچ انسانی بدون عمل بر هدایت خدا مؤمن و صالح العمل و به فلاح نمی رسد.

در نزدیک به ۹۰ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن یک عبارت تکرار شده، و آن: *الا الذين آمنوا و علموا صالحات*.. است. مگر مؤمن صالح العمل گردید تا فلاح یابید. ائمه (ع) چون جز بر هدایت خدا عامل نبودند، از صالحین گشتند. بنابر این از حجت هایی که تدبیر در قرآن را واجب می گرداند، این است که تنها با تدبیر در قرآن هدایت خدا را درمی یابیم و با عمل بر آنها مؤمن و صالح العمل و به فلاح می رسیم.

قرآن از رب العالمین است، لذا یقیناً همه عالم را متدبیر می گردند تا هدایت خدا را دریابند، و اگر از شیاطین بود، آنرا قابل فهم نازل نمی کرد.

### خواندن قرآن و نماز

بسیاری گمان دارند که خواندن قرآن به عربی برای آنها موهبتی بالاتر از خواندن به زبان مادری دارد، که بنابر روایات کاملاً درست است.

اما قرآن فقط برای قرائت نازل نگشته، که فرمود، دلیل نزول قرآن آن است که خداوند هرگز مؤمنین صالح العمل را مانند فاسدان قرار نمی دهیم (۲۸ص) و قرآن کتابی مبارکی است که بر رسولش نازل فرموده؛ تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر گردند (۲۹ص) لذا محکمه و متشابه نازل گشته است. تا هدایت خدا را از آن دریابیم، و تنها باید به زبان مادری بخوانیم تا محکمه را بیابیم؛ و متشابهات را به آن ها ارجاع دهیم، و از ابهام خارج و هدایت خدا را دریافت کنیم.

محکمه، آیات روشنی هستند که ضبط فطری همه هستند، و دلیل اینکه دو نفر در زیر یک سقف می توانند زندگی کنند، ضبط فطری آن آیات و تذکر آن آیات توسط خداوند است. و آنانکه از تذکر خدا روگردانی کنند، می بینیم در اختلافاند، که فرمود شیطان را بر آنها مسلط می کنیم (۳۶ زخرف) پس قرآن برای این نازل گشته تا دوباره همه را متذکر و مؤمن و از متقین گرداند، تا با تدبیر تحت هدایت خدا قرار گیریم و با عمل بر هدایتش از رستگاران گردیم، و این ممکن نیست مگر به زبان مادری آنرا بخوانیم تا متذکرش گردیم.

نحوه برپائی نماز واجب یومیّه را رسول الله (ص) به هدایت خداوند دریافت و بر همه عرضه نمودند، آنکه نماز را عیناً مطابق رسول خدا برپا نماید، چون به هدایت خدا عمل کرده، مؤمن صالح العمل در نمازش خواهد گشت.

هدایت خاص خدا در قرآن نیست، (قبلاً بحث نمودیم) والا نمی فرمود من کافران را هدایت نمی کنم؛ چون خودشان هدایت می یافتند، و نحوه برپائی نماز، فقط به هدایت خداست و در قرآن نیست و از هدایت های خدا بر پیامبر است، که عمل به آن، عمل به هدایت خداست و ما را مؤمن صالح العمل می گرداند.

الأحقاف: ۱۱ *وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكُ قَدِيمٌ...* کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها (در پذیرش آن) بر ما پیشی نمی گرفتند!» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می گویند: «این یک دروغ قدیمی است!» (مکارم)

همه روزی ده بار از او هدایت به صراط مستقیم را می خواهیم. و تمام بندگان خدا برای ابراز صدق با خدا، نماز را عیناً مطابق رسولش باید برپا کنند، تا به هدایت خدا نماز گزارده باشند و نشانه قبولی نمازشان را سلطه فطرت، قرار داده.

چنانچه پیامبر(ص) فرمودند نماز ستون خیمه دین را برپا می‌دارد، (الکافی: ۳/ ۹/ ۲۶۶). و ضبط فطری همه آیات روشن قرآن یا ستون دین است. مؤمنین ضمن تدبیر در سوره حمد و توحید، با هدایت خدا در آیات این دو سوره، نماز را باید به هدایت خدا بخوانند، تا حکمت نماز را عنایت فرماید؛ در کتاب بنده بنام نماز صالحین، تبعیت از ائمه(ع) در نماز می‌یابید، که ما را از صالحون می‌گرداند همه به هدایت خدا نماز و هر عباداتی مثل حج، خمس، روزه... را به جا می‌آوریم، و اینگونه همگی می‌گوئیم، ما یک رب العالمین داریم، اگر هرکسی نمازش را به زبان مادریش؛ بخواند مثل این است که، هریک خدائی برای خود دارد، و نمازی که به هدایت خدای احد و واحد برپا نگردد، هرگز عمل صالح نمی‌گردد،

لذا نماز را دقیقاً باید مطابق رسول خدامی، برپا داشت، تا به هدایت خدا عامل باشیم، و اگر فقط برای خدا و به رضای خدا عامل گردیم، مؤمن صالح العمل در نمازمان می‌گردیم، و یا عیناً از اولی‌الامری که از صالحین است تبعیت نمائیم. تا از صالحون گردیم. البته در قنوت نماز می‌توانیم به زبانی مادری، خواسته خود را مطرح کنیم (عروة‌الوثقی ترجمه شیخ عباس قمی ۱۳۹۲)

برخی بسیار استدلال می‌کنند، که باید قرآن را به عربی خواند... والا دچار گناه و عمل خلاف و اهانت به قرآن می‌گردیم، اما در قرآن به روش قرآن تدبیر نکردند، و آیات روشن را نمی‌شناسند و دلیل وجودشان در قرآن و اثرات آنها را بر انسانها.. آگاه نیستند؛ بنده متذکر آیات روشن قرآن به زبان مادری هستم، و به سؤالات ۱۲۰۰ ساله شیعیان جواب داده‌ام... خداوند برای تقویت ایمان فطری قرآن را متذکر بر همه عالم نازل فرموده، لذا باید هر قومی به زبان مادری آنرا بخواند تا متذکرش گردد، و قرائت آن بدون اینکه متذکرش گردیم، نوعی اهانت به آن، است، که قرن‌هاست بر مہجوریت آن افزوده، و قرآن شکایت ما را به قیامت می‌برد. و خداوند در آیه ۵۰ انبیاء عملاً هر که در جهت متذکر گشتن به قرآن نمی‌خواند منکر ذکر بودن و نزول آن از سوی خدا خوانده است.

### دلیل نگارش مقاله

خداوند لعن فرموده آنکه بداند و نگوید،  
 البقرة: ۱۵۹ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْأَعْلَانُ... کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن‌کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند؛ (مکارم)  
 متذکر گشتن به قرآن، بر همه مردم امری واجب است، و باز شناسی قرآن برای این است که بباییم، چگونه باید قرآن را قرائت کنیم تا متذکرش گردیم؟، و الا از منکران ذکر بودن قرآن و نزول از سویی خدا خواهیم بود، و فردای قیامت جوابی بر انکار خود نداریم. و این را هر مسلمانی باید بداند و اقدام کند؛ تا مورد لعن خدا قرار نگیرد،  
 این مقاله بنا بر وظیفه نوشته شده؛ و اگر تأثیر گذار گردد یا نه، ما تلاش خود را کردیم، که جز خدا نمی‌داند.

### نتیجه

- ۱- آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء، تأکید دارند، قرآن را غیر عرب به زبان مادری باید بخوانید، والا بر آن ایمان نمی‌آورند.
- ۲- تفسیر نمونه «قرآن» بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند- برای همه قابل درک و فهم است زیرا اگر قابل درک و فهم نبود دستور به تدبیر در آن داده نمی‌شد
- ۳- در روایات و خود قرآن، اینکه فقط به عربی قرآن باید خواند، وارد نشده، و خداوند فرمود: ما قرآن را یاد می‌دهیم همانطور که سخن گفتن را تعلیم می‌دهیم و برای همین بر هر قومی به زبان خودشان پیامبر فرستادیم.

- ۴- اما بنابر سخن بسیاری تنها کسانی که توان تحصیل علوم تفسیری و زبان عربی را دارند، بهره‌مند آن می‌گردند، و دیگران باید پیرو آنها باشند، چراکه تحصیل علمی که لازمه فهم قرآن است در توان آنها نیست، و آنان که دارند به نگارش تفسیر و بیان آن می‌پردازند.
- ۵- انسانها فقط از طریق دل هدایت می‌یابد، و تنها الهام‌گر بر دل‌های تک تک ما اوست، لذا برای اینکه همه را هدایت فرماید قرآن را برای تذکر و تدبیر همه نازل نمود؛ و بر همه امر به تعقل و تدبیر و تفکر در آنرا داده، و روش متذکر و متدبیر گشتن را در آن بیان نموده تا هدایتش را بر همه الهام فرماید. و برای همین قرآن را محکمه و متشابه نازل فرمود، و چون خود هادی همه تدبیر کنندگان است که به روش قرآن در آن تدبیر کنند، لذا بدون امر به کسب علوم تفسیری و زبان عربی، همه را به تدبیر امر نموده است.
- ۶- قرآن نیاز به بازشناسی اساسی دارد، چراکه بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز مواردی از آن مثل، تذکر آیات روشن و روش تدبیر، که در آن وجود دارد، ناشناخته مانده است.
- ۷- این سؤال بر مردم بسیار شبهه ایجاد کرده، که آیا فهم قرآن ارزشمند تر از خواندن آن به عربی نیست؟
- ۸- عهد و پیمان خدا، همان آیات روشن قرآن است که ضبط فطری همه فرموده، و متذکر آنهاست، تا جزا روا و برحق باشد.
- ۹- قرآن حقیقتاً بر تو ای پیامبر(ص) و قومت ذکر است، و این نعمت بزرگی است که بر شما ارزانی شده؛ و برای اینکه تأکید فرماید، اعراب موهبت بزرگ ایمان را با نزول قرآن عربی یافتند که هیچ قومی این موهبت را نداشته، لذا فرمود بابت این نعمت از شما سؤال خواهد شد.
- ۱۰- هدای للمتقین، سنت خداست و در تمام عالم و در تمام عمر حیات بشر اجراء می‌گشته و می‌گردد. و هدایتش دو گونه است، هدایت عمومی و خاص، هدایت خاص بر متقین است که موجب سعادت دنیا و آخرت است، و فقط بر متقین الهام می‌فرماید. در دنیا، حتی قبل از نزول قرآن هم متقین وجود داشتند و به هدایت خدا عامل بودند. مثل حبیب نجار، لقمان حکیم...
- ۱۱- خدای سبحان متذکر گشتن به قرآن را بر همه یکسان و طبق یک روش معین، مقرر نموده، و خارج از آن کسی متذکر قرآن نمی‌گردد، چراکه از عدالت او بدور است، کسی متذکر گردد و دیگری متذکر نگردد
- ۱۲- و چون اعراب امروزی آنگونه قرآن را نمی‌خوانند؛ متذکر محکمه قرآنی نمی‌گردند. و آنکه متذکر نگردد متدبیر در قرآن هم نمی‌گردد، لذا اعراب امروزی مثل تمام مسلمانان دنیا، با وجودی که قرآن به زبان مادری آنهاست و بسیار می‌خوانند، و در نماز می‌خوانند، اما متذکر و متدبیر در قرآن نیستند.
- ۱۳- اغلب متخصصان زبان می‌گویند ترجمه نمی‌تواند همه مفاهیم زبان مبدا را بیان کند... چنانچه هیچ مترجمی نگفته قرآن را صحیح و دقیق ترجمه نموده؛ و همه می‌بینیم ترجمه‌ها با هم اختلاف دارند
- ۱۴- قرآن برای اینکه ما را به مفهوم کلام خدا برساند، محکمه و متشابه نازل گشته، و تنها ارجاع آیات به محکمه؛ و تدبیر به روش قرآن است که هدایت خدا را شامل ما می‌گرداند، و مفهوم کلام قرآن را، خداوند با تدبیر به روش قرآن الهام می‌فرماید.

منابع

قرآن کریم #نهج البلاغه

- ۱- اصول کافی، مؤلف: محمد بن یعقوب کلینی ناشر: جهان آرا مترجم: سید مهدی آیت اللهی زبان: فارسی سال چاپ: ۱۳۸۷
- ۲- ترجمه قرآن (مکارم) پدیدآور: مکارم شیرازی، ناصر ناشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی مکان چاپ: ایران- قم سال چاپ: ۱۳۷۳
- ۳- سایت موسسه آموزش عالی حوزوی علامه مجلسی (ره)
- ۴- سایت خبرگزاری ایکنا
- ۵- کتاب نور ملکوت قرآن اثر حضرت علامه آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی انتشارات علامه طباطبایی جلد اول ۱۴۰۰ تهران
- ۶- سایت مرکز پاسخگوئی به سؤالات دینی
- ۷- سایت آیت الله مکارم (دام ظلّه)
- ۸- سایت خبرگزاری شبستان رسانه حوزه دین فرهنگ و اندیشه
- ۹- سایت پرتال جامع امام خمینی (ره)
- ۱۰- بحار الانوار علامه مجلسی با ترجمه فارسی.. علامه محمد باقر مجلسی نهاد کتابخانه های عمومی کشور دانلود
- ۱۱- عروه الوثقی کتاب فقه شیعه نویسنده سید کاظم طباطبائی عربی ۲ جلد ناشر موسسه الاعلمی المطبوعات ترجمه شیخ عباس قمی تهران نشر دینا ۱۳۹۲
- ۱۲- نام کتاب: ترجمه تفسیر المیزان پدیدآور: طباطبایی، محمد حسین تاریخ وفات پدیدآور: ۱۴۰۲ ه. ق مترجم: موسوی، محمد باقر، متوفای ۱۴۲۱ ه. ق. بان: فارسی تعداد جلد: ۲۰ ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- ۱۳- نام کتاب: تفسیر نمونه پدیدآور: مکارم شیرازی، ناصر نویسنده: جمعی از نویسندگان موضوع: اجتهادی- اجتماعی- کلامی تعداد جلد: ۲۸ ناشر: دار الکتب الاسلامیه مکان چاپ: ایران- تهران سال چاپ: ۱۳۷۱ ه. ش
- ۱۴- نام کتاب: ترجمه قرآن پدیدآور: فولادوند، محمد مهدی ناشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی تهران: ۱۴۱۸ ه. ق نوبت چاپ: ۳ والسلام

## Abstract

Verse 50 of the Prophets, and this is a blessed mention of the One who sent it down, so you disbelieved in it!!! And this (Qur'an) is a blessed remembrance that We sent down (to you); Do you deny it?!

(Makaram) .. No one has answered this question, how should we read the Quran so as not to deny that it is mentioned and revealed by God. The Arabs at the beginning of Islam, upon hearing its clear verses from the blessed language of the Prophet (PBUH), remembered and transformed themselves and taught themselves cultivation and the Book of Wisdom (2nd Friday) and in verses 129 and 151 of Al-Baqarah and 164 of Al-Imran, he repeated the same verse and in Verses 59 of Qasas and 11 divorces have said,

the people who were not reminded by their Prophet, they all perished, so the Arabs certainly remembered but did not perish. How did they become remembered and transformed? How does the Quran report this event? In 53 Qasas, he said to whoever reads these verses, he says, "I believe in it and I submit to it." Why? So far, we could not find the clear verses in the Quran, and remove them. Will these verses transform the whole world and make them believers in the Quran and the religion of Islam? Why does the translation of the Qur'an into the mother tongue of each nation have tremendous effects on that nation? In verses 198 and 199 of Surah Al-Sha'ara, he said: Whenever We sent it down to some of the non-Arabs...and he recited it to them, they would not believe in it! (Makaram's translation) Why hasn't anyone explained these verses clearly to the people so far? And why, contrary to these verses, most people believe that if we do not master the Arabic language, we will not benefit from the Quran? With verses 198 and 199 of Surah al-Shaara, he opened the hands of billions of people to the Quran and to have a happy life. Has the Lord of the world sent the Qur'an, such a book that only a few will benefit from it? Whoever is disappointed in finding the way of thinking of the general public in the Qur'an; Has he accused God of falsehood? This article, relying on verses and traditions, proves the fact that the Qur'an does not remember anyone, not even modern Arabs, but it has never contradicted the fact that it remembers all the world, because it has presented the method of recitation to remember everyone.

Key words: "revision of the Qur'an", "recitation of the Qur'an's truth", "the method of reciting the Qur'an", "need to re-examine the Qur'an", "clear verses of the Qur'an", "of the Qur'an"